

گزارش

مجمع ایرانی دفاع از حقیقت

Iranian Council For  
Defending The Truth



اردیبهشت ۱۴۰۱



سیاسی

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

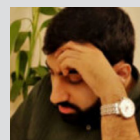


# سانسور افسار گسیخته در جنگ اوکراین و روسیه: درس‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران

---

محمد سجاد باطنی

موسس مجمع ایرانی دفاع از حقیقت



## مقدمه

در بحبوحه جنگ سرد، یکی از جدی‌ترین مسائلی که برای سازمان‌های امنیتی آمریکایی در مواجهه با شوروی وجود داشت، رسیدن به مخاطبانی در بلوک شرق بود. وزارت امور خارجه ایالات متحده در همین راستا، با طرح پرسشی از دانشگاه MIT به دنبال حل این معضل بود. این پرسش که سرآغاز یک پژوهش گسترده در این دانشگاه شد، چنین عنوان داشت: «رساندن حقیقت پشت پرده آهنین» پرده آهنین اصطلاحی سیاسی مربوط به دوران جنگ سرد است که به بخشی از اروپای شرقی اشاره دارد که تحت حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت. سلطه اتحاد جماهیر و حفظ رسانه‌ها در این خطه به حدی بوده است که کارهای معمول عملیات روانی و پروپاگاندا که با هدایت وزارت امور خارجه و نهادهای اطلاعاتی آمریکا اجرا می‌شد، به سختی می‌توانست مخاطب خود را بیابد. مطالعات به طور خاص به پخش رادیویی و بالون‌های اطلاع‌رسانی به عنوان راه‌های اصلی اشاره داشت. همچنین راه‌هایی از جمله تبادل دانشجو، توریست‌ها و ارسال انبوه نامه نیز مورد توجه قرار گرفت. (Robinson, et al., ۲۰۱۸, p. ۱۹)

مشاهده سرکوب محتوایی بی‌سابقه توسط رسانه‌های غربی پس از وقوع جنگ اوکراین و روسیه، فارغ از اینکه کدامیک از طرفین جنگ بر حق هستند، نشان داد که غرب می‌تواند بدون ملاحظه ارزش‌های لیبرالی و بدون فوت وقت می‌تواند یک رژیم سانسوری شدید را علیه معارضین خود ایجاد کند به صورتیکه عملاً امکان دریافت اخبار از سمت یک جناح به طور کلی یا ناممکن گردد و یا به سختی در دسترس قرار گیرد.

این مسئله از چند جهت می‌تواند برای سیاستمداران و فعالان رسانه‌ای ایرانی قابل توجه باشد:

اولاً این سانسور گسترده می‌تواند در هر زمانی (و نه محدود به جنگ) با شدت و ضعف‌هایی اعمال شود. این مسئله البته برای جمهوری اسلامی بی‌سابقه نیست. توقیف صفحات خبرگزاری‌های العالم و پرس‌تی‌وی سطحی از چنین سرکوب رسانه‌ای را نشان داده است.

ثانیاً هر نزاع احتمالی بین جمهوری اسلامی و دولت‌های متخاصم، می‌تواند سبب بروز همین تحریم رسانه‌ای گردد و این تک‌صدایی شرایط جنگ را بحرانی‌تر از آنچه هست گرداند.

هدف از انشاء این سیاست‌نامه، اولاً درک توان و گستره عملیاتی قطع جریان رسانه توسط کشورهای غربی است که این مهم از طریق بررسی اقدامات این کشورها در خلال جنگ اوکراین بدست می‌آید و ثانیاً تلاش برای ارائه راهکارهایی در صورت وقوع وضعیت مشابه نسبت به ایران جهت برون رفت از چنین بحرانی خواهد بود تا بتوان حقیقت را ورای پرده آهنینی که اینک کشورهای اروپایی و آمریکایی بر مردم خود ایجاد کرده‌اند، رسانید.

## سانسور بی سابقه و سرکوب محتوا در جنگ اوکراین

فعالیت‌های کمپین غربی برای حذف روایت روسی از جنگ را می‌توان در چند نوع از سانسور دسته‌بندی کرد:

۱. حذف فرآیند دسترسی

۲. تحت تعقیب قرار دادن خبرنگاران

۳. حذف مستقیم محتوا

۴. سانسور الگوریتم پایه

۵. برچسب زنی به محتوا

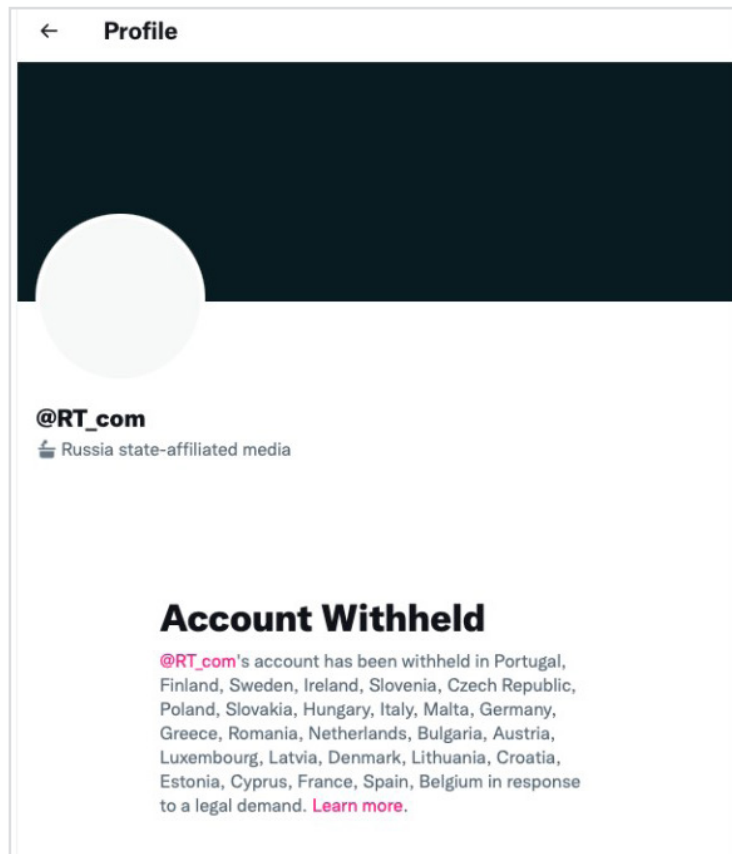
هر یک از این پنج بخش، وظیفه حذف دایره‌ای از مخاطبین را برعهده دارند. در قدم اول غرب تلاش دارد امکان دسترسی به وبگاه‌ها و مراکز خبری روسی را از بین ببرد، در مرحله بعدی خبرنگارانی که به هر طریقی خارج از پازل رسانه‌های جریان اصلی محتوایی را به اشتراک می‌گذارند که به هر نحوی به عنوان روایت روسی از جنگ تفسیر می‌شوند نیز مورد پیگرد قرار می‌گیرند. پس از عبور از فضای وب و با ورود به شبکه‌های اجتماعی، هدف اول حذف پست‌ها و نوشتارهایی است که چیزی خلاف روایت رسانه‌های جریان اصلی از جنگ اوکراین را مخابره می‌کنند، این کار عموماً به اسم مبارزه با اطلاعات غلط صورت می‌گیرد. هر محتوایی که بتواند از ذیل این تیغ خود را نجات دهد، توسط سانسور الگوریتم پایه حذف می‌شود. در این شکل از سانسور، محتوایی که توسط پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی به عنوان طرفداری از روسیه شناخته شوند، کمتر به کاربران نشان داده می‌شوند. در مرحله نهایی نیز، هر کاربر فعالی که به هر طریق بتواند به این دست از محتوا دست یابد، با اخطارها و برچسب‌های هشدارگونه‌ای روبه‌رو می‌شود که از منبع انتشار خبر سلب اعتبار می‌کند و اطلاعات را قابل خدشه عنوان می‌کند. برای فهم این روند، لازم است که هر بخش از این پازل به طور جداگانه بررسی شود.

## حذف فرآیند دسترسی

در عصری که هر لحظه بیش از میلیاردها بایت اطلاعات تولید می‌شوند، مهم‌ترین عنصر برای یک رسانه امکان دسترسی آن است. مخاطبان کنونی، وقت اندکی برای کنکاش جهت یافتن منابع خبری دارند و زمانیکه دسترسی ایشان به یک برون‌داد خبری بیش از چند ثانیه به طول انجامد، عملاً آن پایگاه خبری از منابع مورد مطالعه ایشان خارج می‌گردد. از این جهت صرف ایجاد تاخیر در فرآیند دسترسی به یک منبع خبری، ضربه‌ای جبران ناپذیر به آن پایگاه وارد می‌سازد چه رسد به آنکه امکان دسترسی تا حد قابل توجهی از بین رود.

پایگاه‌های خبری جریان اصلی، موتورهای جستجو و برنامه‌های کاربردی خبرخوان غربی در اقدامی هماهنگ پس از بروز جنگ اوکراین، دسترسی کاربران خود به رسانه‌های بین‌المللی روسیه را محدود کردند. فیس‌بوک در بیانیه‌ای به علت آنچه درخواست اتحادیه و چند دولت اروپایی بود، خبرگزاری‌های روسی از جمله RT و Sputnik را از خروجی خود حذف نمود. توئیتر در اقدامی مشابه دسترسی به این رسانه‌ها را برای مخاطبان اروپایی ممنوع کرد. تیک‌تاک نیز به عنوان یک خدمات دهنده غیر غربی نیز مجبور به پذیرش قوانین اتحادیه اروپا شد و دسترسی اروپائیان به این پایگاه‌ها را محدود کرد. گوگل نیز از اعمال این سانسورها ابایی نداشته بلکه آن‌ها را به شکل سخت‌گیرانه‌تری نسبت به دیگر پلتفرم‌ها به اجرا در آورده است. بر اساس یک پیام رسمی در توئیتر، گوگل اعلام کرد در موتورهای جستجوی خود و YouTube، نتایج مربوط به خبرگزاری‌های روسی را به مخاطبان اروپایی نمایش نمی‌دهد. این البته انتهای ماجرا نیست؛ به

گزارش خبرگزاری نکستا در اروپای شرقی، وزیر فرهنگ اروپا در نامه‌ای به YouTube درخواست کرده است تا دسترسی به خبرگزاری‌های روسی در همه کشورهای جهان قطع شود. این درخواست با موافقت گوگل مواجه شد و صفحات خبرگزاری‌های روسی به طور کامل و در تمام کشورها توقیف شدند.



شکل آ: آنچه مخاطب اروپایی پس از جستجوی اکانت رسمی RT در توییتر مشاهده می کند

در اینجا البته مسئله تنها محدود به حذف فرآیند دسترسی به اخبار منتشر شده توسط رسانه‌های روسیه نیست. یکی از موضع‌گیری‌های قابل توجه در خلال جنگ اوکراین توسط شبکه‌های اجتماعی تغییر قوانین خود نسبت به حذف محتوای حاوی نفرت‌پراکنی بود. کمپانی متا به کاربران فیس بوک و اینستاگرام اجازه می‌دهد تا محتوای حاوی نفرت‌پراکنی و خشونت طلبی علیه روسیه و سربازان روس را که پیش از این مغایر با قوانین این کمپانی‌ها بود انتشار دهند. این تغییر قوانین به صرف سخنان نفرت‌پراکنانه محدود نمی‌شود. در اقدامی عجیب فیس بوک همچنین به گروه نئونازی اوکراینی نیز، مادامی که با روسیه بجنگد، اجازه انتشار محتوا داده است. این مسئله نشان می‌دهد که در هنگام بزننگاه، هیچ یک از قوانین و مقررات رسانه‌ای نیز نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. در حقیقت، رژیم سانسور ایجاد شده نه تنها در به قطع دسترسی مخاطبان از رسانه‌های روسی می‌انجامد بلکه از سوی دیگر با ارائه خدمات غیرقانونی به طرف مخالف، عملاً شبکه‌های اجتماعی را به ماشین پروپاگانداي طرف غربی تبدیل کرده است

## تحت تعقیب قراردادن خبرنگاران

فرآیند مقابله با روایت روسی از جنگ در حذف مخاطبان رسانه‌های روسی خلاصه نمی‌شود. افراد و شخصیت‌هایی که به ترویج چیزی جز روایت جریان اصلی از جنگ اوکراین بپردازند به طرق مختلف تحت

پیگرد قرار گرفته یا سلب اعتبار می‌شوند. این مسیر از سرکوب محتوا به طور معمول در دو بخش سخت و نرم بروز می‌یابد. در پیگرد سخت خبرنگاران که بیشتر مربوط به کشورهای هم‌مرز با روسیه است، خبرنگاران تحت تعقیب قضایی، بازداشت و برخورد فیزیکی قرار می‌گیرند. عموم این برخوردها در قالب اتهاماتی مثل جاسوسی قرار می‌گیرد. یکی از این نمونه‌ها، خبرنگار اسپانیایی پابلو گونزالس است که در اوایل ماه مارس در لهستان به اتهام جاسوسی بازداشت شد. وکیل مدافع این خبرنگار خبر داد که اتهامات به وی تفهیم نشده است و ممکن است به دلیل جاسوسی برای روسیه تا ۱۰ سال زندانی شود. همچنین وکلای گونزالس گفته‌اند که پس از زندانی شدن او ارتباطی با وی نداشته و از سلامت حال او با خبر نیستند. بررسی آخرین توییت‌های وی نشان می‌دهد که او اخباری از دلسردی نیروهای اوکراینی در کی‌یف و یورش و غارت داوطلبان اوکراینی مخابره کرده است. همین روایت مخالف با جریان اصلی برای تحت تعقیب قرار دادن خبرنگاران در صحنه کفایت می‌کند.

پیگرد نرم، مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که طی آن خبرنگارانی که رویکرد آترناتیوی نسبت به جنگ دارند به مرور سلب اعتبار شده و وجهت خود را از دست می‌دهند. یکی از مرسوم‌ترین این نوع از مقابله، برچسب‌زنی‌های توییت‌ها به این خبرنگاران به عنوان «رسانه دولتی روسیه» است. خبرنگاران روسی عموماً این برچسب را دریافت کرده‌اند. اما این مسئله تنها به ایشان ختم نمی‌شود. تحلیل‌گران و خبرنگاران دیگر کشورها نیز که روایاتی مخالف با جریان اصلی از جنگ را منتشر کنند به همین وضعیت دچار می‌شوند. جورج گالوی، سیاستمدار، تحلیل‌گر و مجری برنامه‌های سیاسی انگلستانی نیز این برچسب را دریافت کرده و وعده داده که این موضوع را پیگیری قضایی کند. واضح است که چنین برچسب‌زنی‌هایی می‌تواند از شهرت هر خبرنگاری بکاهد و او را سلب اعتبار کند.

## حذف مستقیم محتوا

در شبکه‌های اجتماعی به نام کمپین‌های اطلاعات غلط، حجم انبوهی از محتوای مخالف جریان اصلی هر روزه حذف می‌گردد. این نوشتار وجود این دست از کمپین‌ها را انکار نمی‌کند اما تجربه نشان داده است که این دست از بهانه‌ها، کمپانی‌های تکنولوژی را به داوران نامشروعی تبدیل کرده است که آنچه باید دیده شود را به مخاطبان خود دیکته می‌کنند. به عنوان مثال فیس‌بوک آشکارا در تعامل با دولت رژیم صهیونیستی، محتواهایی که باید سانسور شوند را انتخاب کرده و حذف می‌کند.

آنچه در خلال جنگ اوکراین در این باره قابل توجه است، حذف انبوهی از اکانت‌های شخصیت‌های معتبر و رسانه‌های آترناتیوی است که به بهانه‌های مختلف به طور مستقیم حذف شدند. این بار صحبت از حذف یک پیام خاص یا یک یادداشت نبود بلکه افراد به صورت دائم از فعالیت در شبکه‌های اجتماعی محروم می‌شدند.

در این میان افراد نام‌آشنایی مثل اسکات ریتر نیز به چشم می‌خورند. ریتر، کهنه سرباز آمریکایی، بازرس سازمان ملل و فعال رسانه‌ای است که در ابتدای جنگ خلیج فارس نیز به درستی ادعای کابینه جورج بوش مبنی بر وجود انبارهای تسلیحات کشتار جمعی در کشور عراق را انکار کرده بود. این بار نیز ریتر با ارائه اسنادی کشتار مردم غیرنظامی در شهر بوچا واقع در اوکراین را تکذیب کرد که این عمل منجر به حذف اکانت او از توییت‌ها گردید.

## سانسور الگوریتمی

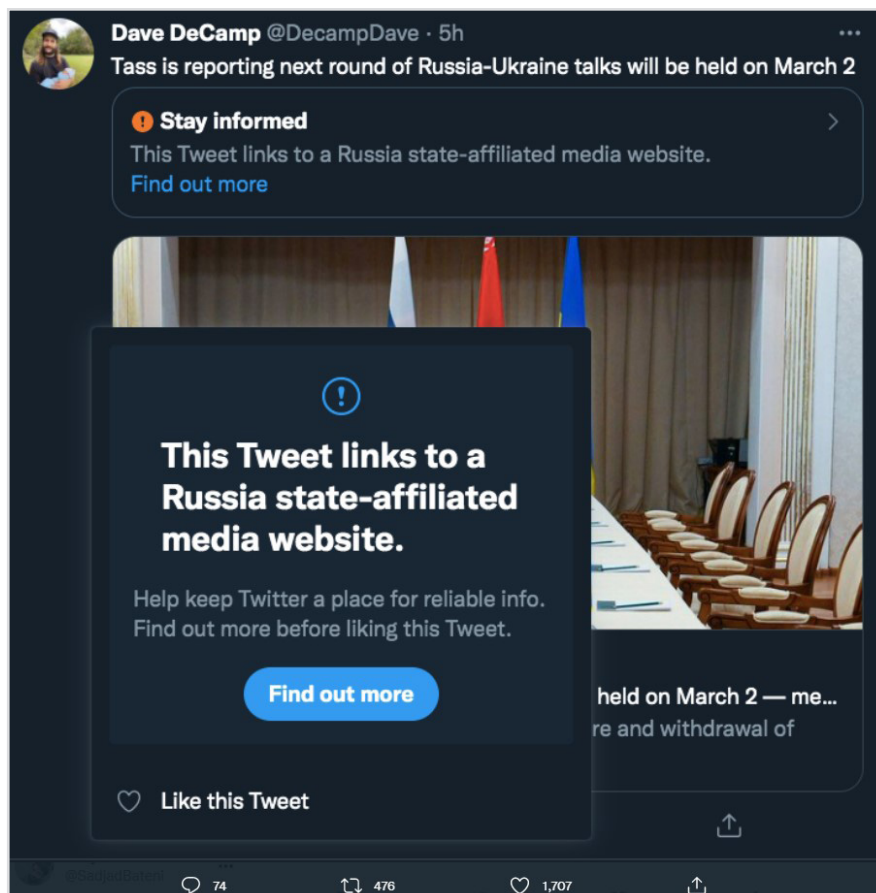
آن دسته از محتوا که بتواند از حذف شدن به بهانه اطلاعات غلط رهایی یابد، به طور خاص تحت سانسور الگوریتم پایه قرار می‌گیرد. در این شکل از سانسور همان‌طور که ذکر شد، هوش مصنوعی در شبکه‌های اجتماعی داده‌هایی که به عنوان روایت روسی از جنگ شناسایی کند را با سختی به مخاطبان نمایش

می‌دهد. این شکل از سانسور به طور گسترده توسط کمپانی‌های ارتباطاتی از جمله YouTube به روشنی ابراز شده است.

این شکل از سانسور به دلایل مختلفی می‌تواند اثرات مخرب‌تری نسبت به شکل‌های معمول سانسور داشته باشد. در این حالت اولاً مخاطبان واقف به سانسور محتوا نیستند و از این رو تلاشی برای یافتن منابع از دست رفته نشان نمی‌دهند و ثانیاً گستره محتوای یکسویه‌ای که توسط کمپانی‌ها به عنوان نمونه تصادفی از تمام محتوای موجود در پلتفرم به نظر مخاطب می‌رسد، دید دست‌کاری شده‌ای از او نسبت به فضای حاکم بر افکار عمومی نشان می‌دهد که این امر بالطبع در موضع‌گیری‌های او تاثیر خواهد گذاشت.

## برچسب زنی به محتوا

درصدی از مخاطبان فعال و ثابت، عموماً از این موانع عبور می‌کنند و به طرق مختلف به محتوای مورد نظر دست پیدا می‌کنند، هر چند این گروه از افراد تعداد کمی از مخاطبان را تشکیل می‌دهند اما از آن رو که عموماً شامل پژوهشگران و فعالان رسانه‌ای مرتبط با موضوع هستند، نقش پررنگی در شکل‌دهی به افکار عمومی جماعات مختلف اجتماعی دارند، بنابراین مقابله رسانه‌های جریان اصلی و بستر شبکه‌های اجتماعی با محتوای غیر همسو در اینجا پایان نمی‌پذیرد. یکی از شیوه‌های تخریب اعتماد و سلب اعتبار از اخبار و آن دسته از محتوایی که توسط فعالان اجتماعی مشاهده می‌شود، برچسب زنی‌های محتوایی به منظور بی اعتبار عنوان کردن خبر یا تحلیل مورد مطالعه است.



شکل ب: هشدار توییتر در خصوص روسی بودن روایت

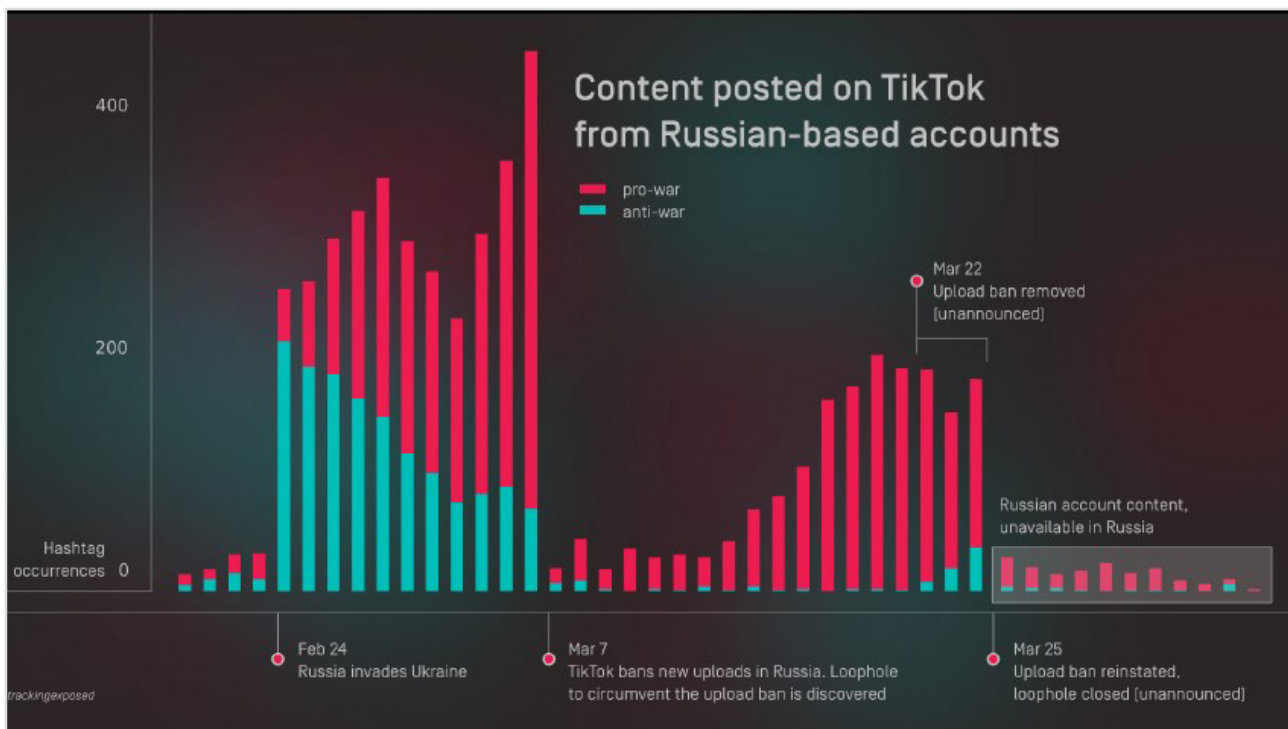


## فعالیت‌های روسیه بر ضد سانسور غربی

فعالیت‌های روسیه در زمینه مقابله با یک جانبه‌گرایی روایت‌ها توسط رسانه‌های جریان اصلی را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد؛ فعالیت‌های ناظر بر کنترل افکار عمومی در داخل و فعالیت‌های برون مرزی برای طرح روایت‌های خود در خلال جنگ به مخاطب اروپایی و آمریکایی.

در زمینه کنترل افکار عمومی داخل، اداره نظارت بر ارتباطات، فناوری اطلاعات و رسانه‌های جمعی روسیه Roskomnadzor، در پاسخ به حذف رسانه‌های روسی از شبکه‌های اجتماعی اقدام به فیلترینگ این بسترها نمود. نیک کلژ، مسئول کمپانی متا در واکنش به این تصمیم فدراسیون روسیه در بیانیه‌ای ابراز داشت که تمام تلاش خود را برای ایجاد دسترسی به فیس‌بوک در روسیه خواهد کرد تا مردم از این طریق بتوانند به سازمان‌دهی اقدامات خود بپردازند. این نکته عملاً تشویق مردم روسی به شورش و مخالفت اجتماعی با فعالیت‌های دولت روسیه خواهد بود. در اینجا تهدیدی بالفعل از دخالت خارجی جهت دستکاری افکار عمومی دامن گیر فدراسیون روسیه شده است؛ رفع این تهدید اولویت اول روسیه در کنترل افکار عمومی داخلی بوده است.

استراتژی روسیه در این زمینه، کشاندن مخاطبان روس‌زبان که از پلتفرم‌های خارجی استفاده می‌کنند، از شبکه‌های اجتماعی غربی به زیرساخت‌های شرقی است. روسیه با بستن شبکه‌های اجتماعی غربی و باز گذاشتن تیک‌تاک گامی در این راستا برداشت و سبب کوچ مخاطبان روسی از بسترهایی مثل فیس‌بوک و توئیتر به تیک‌تاک شد. این کار رفتار مخاطبان را تحت تاثیر قرار داد. ورود مخاطبان طرفدار سیاست‌های کرملین از یکسو و فعالیت‌های ادعایی روسیه در این بستر توانست فضای تیک‌تاک را به نفع سیاست‌های مسکو تغییر دهد. نمودار زیر تولید محتوای ضدجنگ در برابر محتوای هوادار جنگ را در این بستر نشان می‌دهد که با کوچ مخاطبان و فعالیت‌های دولتی، صحنه به طور کامل به نفع روسیه تغییر کرده است.



شکل ج: نمودار محتوای تولیدی ذیل هشتگ های ضد جنگ و هوادار جنگ

در بخش رساندن روایت روسی به مخاطبان غربی نیز روسیه اقداماتی انجام داده است. بار اصلی این مأموریت همچنان بر شانه رسانه‌های اصلی این کشور قرار دارد. استراتژی این رسانه‌ها عموماً حرکت به سمت شبکه‌های اجتماعی آلترناتیو بوده است. شبکه RT در این زمینه بازوهای خود در تلگرام، رامبل، اودیسسه و گب را به عنوان راه‌های ارتباطی جایگزین خود مطرح کرده است.

در سوی دیگر و در راستای نبردهای شناختی، با توجه به گزارش رسانه‌های غربی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های پنهان را نیز برای تقویت روایت خود از جنگ اوکراین ارائه داده است. یکی از این عملیات‌های موفق ترویج اطلاعات بدست آمده در خلال جنگ در خصوص فعالیت‌های بیوتکنولوژی نظامی ایالات متحده در اوکراین بوده است. بر اساس آمار موجود، فیس‌بوک از برچسب زنی به ۸۰ درصد مقالات و محتوای تولید شده در این خصوص باز مانده است. این فعالیت به طور خاص به دلیل آنکه با روایت غالب در گروه‌های راست-گرای افراطی آمریکایی هم داستان بوده است، حجم وسیعی از انتشار این روایت بر دوش خود آمریکایی‌ها قرار گرفته و از این رو توانسته از محدودیت‌های فیس‌بوک علیه روسیه بگریزد چرا که کاربران آمریکایی پشت این جریان قرار داشته‌اند.

## پیشنهادات راهبردی برای مقابله با سانسور در هنگام جنگ

پس از بررسی‌های صورت گرفته در این نوشتار، آنچه واضح است تهدید بالقوه قطع جریان مخابره اطلاعات به مخاطبان غربی می‌تواند تا حد زیادی بر شرایط جنگ تاثیر گذاشته و در عنوان کردن یکی از طرفین درگیری به مثابه شیطان مجسم، شهروندان عادی را به جزئی از ماشین جنگی طرف غربی تبدیل کند.

برای حل این معضل در دو سطح راهبردی و تاکتیکی، با توجه به آنچه گذشت، پیشنهاداتی مرقوم می‌گردد:

### پیشنهادات راهبردی:

۱. تاسیس اتحادیه خبری شرق: با توجه به گسترش نفوذ رسانه‌های غربی از یکسو و عطش مخاطبان غربی برای مشاهده روایت‌های غیر همسو با رسانه‌های جریان اصلی، تشکیل یک اتحادیه خبری بین کشورهای شرقی از جمله چین، روسیه، ایران دیگر کشورهای مشترک المنافع، که از حیث لجستیکی و پشتیبانی‌های محتوایی به صورت خودبنیان و بدون نیاز به پشتیبانی‌های آمادی غرب اداره شود، می‌تواند جریان خبری گسترده‌ای را کلید بزند که روایت آلترناتیوی از صحنه نبرد به گوش مخاطبان برساند.

۲. ترویج تکثرگرایی رسانه‌ای: تکثر در بسترهای ارتباطی از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا رسانه‌های خبری، فرآیند سانسور غربی را با کندی مواجه خواهد کرد. وجود چنین تنوعی در بین مخاطبان غربی، علاوه بر این، می‌تواند از تک‌صدایی رسانه‌های جریان اصلی بکاهد. این مهم تنها از طریق ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به رسانه‌های جریان اصلی صورت می‌گیرد. هدف قرار دادن زیرساخت‌های این رسانه‌ها از طرق گوناگون، کشف و افشای فسادهای مختلف در بین اصحاب این رسانه‌ها و ایجاد بنگاه‌هایی جهت نشان دادن سوگیری‌های غیر حرفه‌ای خبرگزاری‌های جریان اصلی می‌تواند گام مهمی در راستای پخش مخاطبین غربی بین سایر بسترهای ارتباطی بردارد.

### پیشنهادات تاکتیکی:

۱. ایجاد بنگاه‌های خبری برای گروه‌های اجتماعی خاص: ایجاد رسانه‌های کوچک و پر تعداد که هر کدام قشر خاصی از مخاطبان غربی را هدف قرار می‌دهد، هم به نسبت هزینه کمتری از راه اندازه رسانه‌های کلان به خود اختصاص می‌دهد و هم در مواقع بحرانی امکان بسیج اجتماعی بهتری را فراهم می‌سازد. در حقیقت باید وجه اشتراک جماعت‌های خاص به همراه جهان بینی سیاسی ایشان لحاظ شده و بر طبق ذائقه آن‌ها گروه‌های خبری تلاش کنند تا روایت مطلوب ایران نیز در بین جماعت‌های مختلف غربی وجود داشته باشد ولو اگر این روایت، تبدیل به روایت غالب نگردد. چنین رسانه‌هایی می‌توانند تا حد زیادی بر سانسور

الگوریتم پایه تفوق یافته و آن را دور بزنند.

۲. تمرکز بر بسترهای فرعی و شبکه‌های غیر اصلی: جذب مخاطب برای رسانه‌های رسمی و بین‌المللی جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی آلترناتیو، باید در دستور کار این رسانه‌های قرار گیرد. جذب حداکثری مخاطبان در این شبکه‌ها می‌تواند این رسانه‌ها را در هنگام سانسورهای گسترده، زنده نگاه دارد.

۳. تمرکز بر شخصیت‌های رسانه‌ای: یکی از ضعف‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران در بعد رسانه‌ای عدم توجه به شخصیت‌های رسانه‌ای است. توضیح آنکه تا کنون تمرکز اصلی ایران بر ساخت و پرداخت رسانه‌های خبری بوده است و اعضای این خبرگزاری‌ها، کمتر شناخته شده هستند. تقویت چهره این افراد و به طور کلی ساخت و پرداخت چندین شخصیت رسانه‌ای بین‌المللی در مواقع بحرانی می‌تواند مفید باشد چه آنکه حذف دسترسی به افراد بسیار سخت‌تر از حذف دسترسی به یک رسانه خواهد بود.

۴. سوق دادن شهروندان به شبکه‌های اجتماعی شرقی: جهت حفظ افکار عمومی داخلی در هنگام حملات شناختی غربی، یکی از راهکارهای موفقی که در روسیه نیز به خوبی پیاده شده است، سوق دادن آن دسته از مخاطبانی که از شبکه‌های اجتماعی داخلی استفاده نمی‌کنند، به بسترهای غیر غربی است. عدم کنترل کشورهای غربی بر بسترهای ارتباطی، ابتکار عمل ایشان در نبرد شناختی را تا حد زیادی از بین می‌برد و حفاظت از افکار عمومی را بهبود می‌بخشد.

## منابع

- [۱] Getting truth behind the Iron Curtain  
 [۲] Robinson, L., C. Helms, T., S. Cohen, R., Nader, A., Radin, A., Magnuson, M., & Migacheva, K. (۲۰۱۸). Modern Political Warfare. Santa Monica: RAND.  
 [۳] <https://www.reuters.com/business/media-telecom/facebook-owner-meta-will-block-access-russias-rt-sputnik-eu-۲۰۲۲-۰۲-۲۸/>  
 [۴] <https://techcrunch.com/۲۰۲۲/۰۳/۰۳/twitters-eu-only-geoblocks-of-russia-today-off-to-a-shaky-start/>  
 [۵] <https://www.engadget.com/tiktok-follows-facebook-in-blocking-rt-sputnik-eu-۰۱۴۰۱۵۳۱۲.html>  
 [۶] <https://twitter.com/googleeurope/status/۱۴۹۸۵۷۲۵۲۹۴۰۹۱۷۹۶۴۸>  
 [۷] [https://twitter.com/nexta\\_tv/status/۱۴۹۷۶۲۷۴۳۹۷۲۳۳۸۴۸۴۲](https://twitter.com/nexta_tv/status/۱۴۹۷۶۲۷۴۳۹۷۲۳۳۸۴۸۴۲)  
 [۸] <https://www.rt.com/russia/۵۵۱۷۳۰-youtube-demonetize-censorship-media/>  
 [۹] <https://www.reuters.com/world/europe/exclusive-facebook-instagram-temporarily-allow-calls-violence-against-russians-۲۰۲۲-۰۳-۱۰/>  
 [۱۰] <https://theintercept.com/۲۰۲۲/۰۲/۲۴/ukraine-facebook-azov-battalion-russia/>  
 [۱۱] <https://cpj.org/۲۰۲۲/۰۳/spanish-journalist-covering-ukraine-refugees-detained-in-poland/>  
 [۱۲] <https://euroweeklynews.com/۲۰۲۲/۰۳/۰۴/spanish-journalist-arrested-in-poland-accused-of-being-a-russian-spy/>  
 [۱۳] <https://twitter.com/PabVis/status/۱۴۹۸۰۵۹۸۷۲۸۶۴۲۸۸۷۶۸>  
 [۱۴] <https://southfront.org/twitter-begins-soft-censorship-campaign-against-russian-and-chinese-outlets/>  
 [۱۵] <https://caitlinjohnstone.com/۲۰۲۲/۰۴/۰۸/twitter-is-state-affiliated-media/>  
 [۱۶] <https://uk.style.yahoo.com/george-galloway-legal-threat-twitter-۱۷۱۱۲۵۷.html>  
 [۱۷] <https://theintercept.com/۲۰۲۲/۰۹/۱۲/facebook-is-collaborating-with-the-israeli-government-to-determine-what-should-be-censored/>  
 [۱۸] <https://twitter.com/wyattreed13/status/۱۵۱۴۱۶۸۹۹۶۹۵۳۷۳۹۲۷۰>  
 [۱۹] <https://www.rt.com/news/۵۵۳۴۲۷-ritter-twitter-ban-bucha/>  
 [۲۰] <https://www.rt.com/russia/۵۵۰۷۲۷-youtube-rt-censorship/>  
 [۲۱] <https://caitlinjohnstone.substack.com/p/censorship-by-algorithm-does-far?s=r>  
 [۲۲] <https://twitter.com/nickolegg/status/۱۴۹۹۱۹۵۵۷۸۷۰۹۸۹۳۱۶>  
 [۲۳] Tracking Exposed Special Report: Content Restrictions on TikTok in Russia following the Ukrainian War, <https://tracking.exposed/pdf/tiktok-russia-۱۲april۲۰۲۲.pdf>  
 [۲۴] [https://twitter.com/RT\\_com/status/۱۵۱۱۷۴۳۰۳۴۲۸۶۹۱۱۴۹۱](https://twitter.com/RT_com/status/۱۵۱۱۷۴۳۰۳۴۲۸۶۹۱۱۴۹۱)  
 [۲۵] <https://www.theguardian.com/technology/۲۰۲۲/mar/۳۱/facebook-disinformation-war-ukraine-russia>

